

صلح امام حسن مجتبی (ع)

امام حسن مجتبی (ع) در 21 رمضان سال 40 قمری، پس از شهادت پدر ارجمندش حضرت علی (ع) بنا به درخواست یاران امیرمؤمنان (ع) و سایر مردم، خلافت اسلامی را پذیرفت و ادامه سیره و روش حکومتی امیرمؤمنان (ع) و سیاست عدالت گستری وی را سر لوحه کار خویش قرار داد...



امام حسن مجتبی (ع) در 21 رمضان سال 40 قمری، پس از شهادت پدر ارجمندش حضرت علی (ع) بنا به درخواست یاران امیرمؤمنان (ع) و سایر مردم، خلافت اسلامی را پذیرفت و ادامه سیره و روش حکومتی امیرمؤمنان (ع) و سیاست عدالت گستری وی را سر لوحه کار خویش قرار داد.

"معاویة بن ابی سفیان" که در ایام خلافت امیرمؤمنان (ع)، از حکومت مرکزی سرپیچی و اقدام به ایجاد حکومت مستقل و خودخوانده در شام نمود و به برخی از مناطق اطراف، از جمله مصر، چنگ انداخته بود، از آغاز حکومت امام حسن (ع) اقدام به دشمنی و فتنه انگیزی نمود و با ارسال جاسوسان و نفوذ در میان بزرگان قبیله‌ها و طایفه‌ها و تطمیع آنان، زمینه نبرد دیگری را فراهم ساخت. از سوی دیگر، نفاق و خیانت برخی از سران سپاه امام حسن (ع) و پیوستن آنان به سپاه معاویه و ناخرسندی مردم به ادامه جنگ و خون ریزی، دشمن را جسورتر کرده و وی را به تهاجم همه جانبه نظامی وادار نمود. امام حسن مجتبی (ع) که به سامان دهی حکومت و امور معیشتی مردم و برقراری قسط و عدل در جامعه اسلامی پرداخته بود، با دشمنی‌ها و تهاجم سراسری سپاه شام روبرو شد. آن حضرت نیز در مقام دفاع برخاست و در میان مردم اعلان بسیج عمومی نمود و رزمندگان کوفه و سایر شهرها را برای دفع تهاجم دشمن فراخواند. هنگامی که دو سپاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند و درگیری‌های پراکنده‌ای میان آنان به وقوع پیوست، برخی از سران سپاه امام حسن مجتبی (ع)، از جمله "عبیدالله بن عباس" که فرماندهی کل را بر عهده داشت، به سپاه معاویه پیوست و از این راه، توان روحی و فیزیکی سپاه امام حسن (ع) را کاهش دادند. نفوذی‌های معاویه، در میان سپاهیان امام حسن (ع) و در میان عامه مردم شهرها، اقدام به شایعه پراکنی و گمانه زنی‌های خلاف واقع کردند و به تدریج جامعه اسلامی و رزمندگان را از داخل، دچار تردید و تزلزل نمودند. به طوری که برخی از سپاهیان، شبانه از اردوگاه‌ها و پادگان‌ها گریخته و صحنه نبرد را ترک می‌کردند و برخی از فریب خوردگان "خوارج" در شهرهای پشت جبهه اقدام به آشوب می‌کردند و حتی در "ساباط مداین"، به خیمه گاه امام حسن (ع) هجوم آورده و اقدام به غارت و بی‌نظمی نمودند و در یک رویدادی، امام حسن مجتبی (ع) را ترور کرده و وی را به شدت زخمی نمودند. ریش سفیدان و صاحب نفوذان عراق و حجاز و برخی از فرماندهان سپاه امام حسن (ع)، مخفیانه نامه‌هایی به معاویه داده و اظهار اطاعت و پیروی می‌نمودند و حتی نوشتند که حاضرند امام حسن (ع) را تسلیم وی کرده و یا او را به قتل رسانند.

امام حسن مجتبی (ع) که از تمامی نفاق‌ها و خیانت‌های سپاه خویش خبردار بود، با گردآوری آنان و ایراد خطبه و روشن نمودن اذهان آنان از دسیسه‌های دشمن، تلاش وافر نمود که روحیه مردانگی و رزم آوری را در آنان، بار دیگر زنده کرده و توطئه‌های دشمن را نقش بر آب کند. ولی رسوخ شرم آور نفاق و خیانت، سپاه آن حضرت را از کارایی لازم انداخته و توازن نظامی را به کلی دگرگون کرده بود و سرانجام، امام حسن (ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کرد و آن حضرت، بناچار در 25 ربیع الاول و به قولی در نیمه جمادی الاولی سال 41 قمری بر اساس شرایطی، خلافت را به معاویة بن ابی سفیان وا گذاشت و خود از آن کناره گرفت. بدین سان، درگیری و جنگ میان سپاهیان شام و سپاهیان عراق پایان یافت و آن سال را "عام الجماعة" نامیدند. متن صلح نامه‌ای که به امضای طرفین و گواهان از دو سپاه رسید، از این قرار است: *بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما صالح عليه الحسن بن علي بن أبي طالب، معاوية بن أبي سفيان، صالحه علي أن يسلم اليه ولاية المسلمين، على أن يعمل فيهم بكتاب الله و سنة رسول الله و سيرة الخلفاء الراشدين المهتدين، و ليس لمعاوية بن أبي سفيان ان يعهد الي أحد من بعده عهداً، بل يكون الأمر من بعده شوري بين المسلمين، على أن التأس آمنون حيث كانوا من أرض الله تعالى في شامهم و يمنهم و عراقهم و حجازهم، و على أن أصحاب علي و شيعته آمنون على أنفسهم و أموالهم و نسائهم و اولادهم حيث كانوا، و على معاوية بن ابی سفيان بذلك عهد الله و ميثاقه، و على أن لا يبغى للحسن بن علي و لأخيه الحسين غائلة و لا لأحد من اهل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله غائلة سوء سراً أو جهراً، و لا يخيف احداً منهم في افق من الآفاق.*

گفتنی است که درباره بندهای صلح نامه، اتفاق چندانی میان مورخان و سیره نویسان نیست و برخی از آنان، موارد ذیل را نیز اضافه نمودند:

1. حسن بن علی (ع) و برادرش حسین (ع)، هیچ گاه معاویه را امیرمؤمنان خطاب نکنند. این شرط به وضوح بیان می‌کند که صلح امام حسن (ع)، نوعی سکوت در حال ناچاری و کناره‌گیری مصلحت‌آمیز از حکومت بود، نه این که معاویة بن ابی سفیان، سزاوار خلافت و حکومت بوده است.

2. معاویه و اصحابش، هیچ گاه علی (ع) را در نماز و غیر نماز سب و لعن نکرده و از او، جز به نیکی یاد نکنند.

3. پس از معاویه، ولایت مسلمانان با حسن بن علی (ع) باشد و اگر او زنده نباشد، با برادرش حسین بن علی (ع) خواهد بود.

4. بیت المال کوفه در اختیار امام حسن(ع) باشد.

5. خراج دو منطقه فارس، یعنی بسا(فسا) و دارابجرد در اختیار امام حسن(ع) باشد.

6. معاویه در هر سال مبلغ يك ميليون (و یا صد هزار) درهم به صورت مقرری در اختیار امام حسن(ع) قرار دهد.

یادآوری این نکته ضروری است که مسائل مادی‌ای که از سوی امام حسن(ع) در صلح نامه مطرح شده است، به منظور تأمین معاش خانواده‌های بی‌سرپرستی بود که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، کسان خود را از دست داده بودند.

امام حسن مجتبی(ع)، انسانی کامل و پیشوایی مهربان و عدالت گستر بود که برای از میان بردن اختلاف و تفرقه مسلمانان و جلوگیری از خون ریزی آنان و نجات شیعیان و یاران پدرش امیر مؤمنان(ع) از شرارت‌ها و کینه توزی‌های معاویه و عوامل مزدور وی، صلح با معاویه را پذیرفت و آن را با شرایطی سنگین بر معاویه تحکیم نمود.

"ابن حجر عسقلانی" که از دانشمندان شافعی مذهب اهل سنت است، درباره شخصیت و حکومت امام حسن(ع) گفت: هو آخر خلفاء الراشدين بنصّ جده(ص)، ولی الخلافة بعد قتل ابیه بمبايعة اهل الكوفة، فاقام بها ستة أشهر و أياماً، خليفة حقّ و امام عدل و صدق تحقیقاً؛ او، به نص و تصریح سخن جدش (حضرت محمد(ص))، آخرین خلیفه از خلفای راشدین است که پس از کشته شدن پدرش (امیرمؤمنان(ع)) عهده‌دار خلافت گردید و مردم کوفه با او بیعت نمودند. وی به مدت شش ماه و چند روز زمام خلافت را به دست گرفت. او به حقیقت، خلیفه‌ای حق و امامی عادل و راست گو بود.

به هر روی، پس از استیلای معاویه بر کوفه و سایر سرزمین‌های اسلامی، امام حسن(ع) علی رغم اصرار برخی از شیعیان و بزرگان کوفه مبنی بر باقی ماندن در این شهر، تصمیم به بازگشت به مدینه الرسول(ص) گرفت و به همراه خانواده خود و خاندان پدر ارجمندش (که پس از جنگ جمل به کوفه مهاجرت کرده بودند) رهسپار مدینه شد و به وطن اصلی خویش روی آورد.

در این سفر، مردم کوفه بدرقه‌ای نیکو و اهالی مدینه، استقبال شایانی از آن حضرت و خاندان امیرمؤمنان(ع) به عمل آوردند.

امام حسن(ع) بنا به وظیفه انسانی و ایمانی خویش، تا آخر عمر شریفش به پیمان صلح پای بند ماند و از آن تخطی نکرد، ولی معاویه با ترفندهای گوناگون، بارها آن را نقض و خیانت باطنی خویش را بر همگان آشکار کرد.

درگذشت 171#؛ ابوالعباس احمد بن سیرنج؛ فقیه شافعی در سال 436 هجری قمری

171#؛ ابوالعباس احمد بن سیرنج؛ فقیه شافعی و از علمای قرن سوم هجری در سال 436 هجری قمری درگذشت. وی ضمن تدریس فقه مدتی قضاوت شهر شیراز را به عهده داشت. از ابوالعباس تألیفات بسیاری ذکر کرده اند که تعداد آنها بالغ بر 400 مجله می باشد.